

نقش علوم انسانی و اجتماعی در کاهش مفاسد اقتصادی در پروژه‌های عمرانی ملی

مه‌ری سادات موسوی*

چکیده

در این مقاله تلاش شده است از منظر علوم انسانی و اجتماعی به مفاسد اقتصادی در پروژه‌های عمرانی ملی نگریسته شود. طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (پروژه‌های عمرانی) و نحوه اجرای آن، نماد نظام فنی اجرایی کشور تلقی شده و اصلی‌ترین وسیله برای تزریق منابع بودجه‌ای در اقتصاد کشور جهت گسترش ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی محسوب می‌شود ولی آنچه که حائز اهمیت است، آن است که انجام چنین پروژه‌هایی از ابتدایی‌ترین مراحل تا مراحل نهایی و تضمین آنها، در معرض مفاسد خرد و کلان اقتصادی قرار دارد که می‌تواند صدمات بسیاری بر بدنه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه وارد آورد زیرا رواج مفاسد اقتصادی صرفاً در حوزه اقتصاد نمی‌گنجد بلکه پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز به دنبال دارد که رواج بی‌اعتمادی و افزایش نابرابری در جامعه از جمله این تبعات است. در بررسی‌های بعمل آمده مشخص شد که علاوه بر آنکه نمی‌توان نسخه‌ای کلی در این رابطه ارائه داد، بحث مفاسد اقتصادی در پروژه‌های ملی از مرحله برنامه‌ریزی، طراحی و انعقاد قرارداد پروژه تا مراحل اجرایی و خاتمه، راه‌اندازی و نگهداری آن، با عوامل مختلف در ارتباط است که برخی از آن همچون ساختار قانونی و اداری نظام دولتی، ضعف در کیفیت اعمال نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها، ضعف در نظام عدالت کیفری، ضعف سامانه‌های نظارتی و زمینه‌ها

*. هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

و علل فرهنگی و اجتماعی از جمله عوامل عام فساد محسوب می‌شوند و بخشی دیگر اختصاصاً در این نوع پروژه‌ها قابل رؤیت‌اند که می‌توانند با نقش‌آفرینی صحیح علوم انسانی و اجتماعی تقلیل یابند. در مقاله حاضر ضمن بررسی گریزگاه‌های مفاسد اقتصادی پروژه‌های عمرانی به نقش علوم مذکور در ارائه راهکارهای مناسب برای این معضل و کاهش آن در سطح جامعه پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پروژه‌های عمرانی ملی، طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، فساد اقتصادی، علوم انسانی و اجتماعی

مقدمه

پیشرفت و توسعه هر کشوری در گرو برنامه‌ریزی و فعالیت مناسب در جهت تحقق برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آن است. توجه به عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی بشمار رفته و می‌رود. بخشی از تحقق این آرمان منوط به اجرای صحیح برنامه‌ریزی‌ها و پروژه‌هایی است که جهت ارتقاء سطوح علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور طرح‌ریزی می‌شوند. دلایل متعددی در عدم تحقق چنین آرمانی نقش دارند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به مفاسد مالی و اقتصادی اشاره نمود. اهداف سودجویانه برخی دست‌اندرکاران امور مختلف از جمله طرح‌های عمرانی دستگاه‌های اجرایی که در شرایط طبیعی می‌تواند با سرمایه‌گذاری مطمئن به پیشرفت، رشد و توسعه بینجامد، در جهت تحمیل هزینه‌های عنگفتی که به هدر رفت منابع ملی منجر می‌گردد، سوق داده می‌شود.

در بدو امر با توجه به ماهیت فنی پروژه‌های عمرانی ملی این امر به ذهن متبادر می‌شود که کلیه مراحل اجرایی آن بدون نیاز به علوم انسانی قابلیت تحقق صد در صدی داشته و علوم انسانی توان حل معضلات و مشکلات پدید آمده در این حوزه را ندارد درحالی‌که با توجه به فرایند شکل‌گیری و انجام پروژه‌ها ضرورت همکاری این علوم در کاهش فساد اقتصادی در این پروژه‌ها کاملاً محسوس است. لذا این مقاله به دنبال